

سطح توانمندی زنان متأهل و عوامل مرتبط با آن (مطالعه موردی زنان متأهل شهر اردبیل)

طاهره قادری*
ابوعلی ودادهیر**
سولماز چمنی***

چکیده

در یک برداشت وسیع، مراحل مختلفی که یک زن طی آن از نیازها و خواسته‌های درونی خود، آگاه و انگیزه و جرأت دست‌یابی هدف مورد نظر را در خود تقویت و به همراه آن توانایی و شایستگی لازم برای عملی ساختن آن را در خود ایجاد می‌کند، اصطلاحاً توانمندسازی می‌نامند. هدف مقاله، بررسی سطح توانمندی زنان متأهل و عوامل مرتبط با آن در شهر اردبیل است. مقاله از نوع تحلیل - تبیینی است که با استفاده از منابع مختلف کتابخانه‌ای و میدانی اطلاعات لازم جمع‌آوری گردیده است. جامعه آماری زنان متأهل شهر اردبیل است. روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی خوشه‌ای است و با استفاده از فرمول کوکران ۳۲۰ نمونه مورد مصاحبه قرار گرفتند. در این تحقیق علاوه بر مطالعه ویژگی‌های زمینه‌ای زنان متأهل، سطح توانمندی زنان در ابعاد مختلف توانمندی شامل: توانمندی اقتصادی (درآمد، قدرت پس انداز، استقلال مالی)، توانمندی اجتماعی (مشارکت اجتماعی و مشارکت مذهبی)، توانمندی سیاسی (مشارکت سیاسی و قدرت زن در خانواده) و توانمندی روانی (قدرت تصمیم‌گیری، عزت نفس و استقلال فکری) مد نظر قرار گرفته است. در پایان ضمن اشاره به این موضوع که زنان مسئول فقر خود نیستند نتیجه‌گیری شده است که نابرابری در دسترسی به آموزش، اشتغال و عدم امکان کسب مهارت‌های حرفه‌ای، تبعیض جنسی، تصورات قالبی جنسیتی از جمله موانعی در برابر توانمندی زنان محسوب می‌شود.

واژگان کلیدی: توانمندی، عاملیت، منابع، فقر، زنان و اشتغال.

T Ghaderi@yahoo.com

vedadhir@gmail.com

S.chamani1985@yahoo.com گروه‌های اجتماعی و روانشناسی و علوم اجتماعی

* استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی

** نویسنده مسئول و استادیار دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران

*** دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی گرایش‌های اجتماعی، دانشکده روانشناسی و علوم اجتماعی

مقدمه

توسعه یافتگی هدفی است که هر کشوری برای دست یابی به آن تلاش می کند. ارزش های اساسی توسعه پایدار را می بایست در ارتقای کیفیت زندگی، یعنی توانمندسازی زنان و مردان جستجو کرد. از مواردی که توسعه یافتگی را تحت تاثیر قرار می دهد، امکان دسترسی زنان و مردان به فرصت های برابر، کسب امنیت اقتصادی و رفع فقر است (خانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۲۹).

زنان نیمی از جمعیت هر جامعه را تشکیل می دهند و از مهمترین مخاطبان و گروه های اجتماعی موثر در فرآیند توسعه به شمار می روند، این بدان معناست که دست یابی به توسعه پایدار، بدون مشارکت فعال زنان در تمام عرصه ها، امکان پذیر نمی باشد. توانمندسازی زنان یکی از مفاهیم توسعه است که ابعاد فردی و اجتماعی را در بر می گیرد. دلیل تاکید بر توانمندسازی زنان، بدین سبب است که زنان بیش از مردان، در معرض فقر و تبعیض جنسیتی قرار دارند و موانع و محدودیت های فراوانی که متأثر از عوامل فرهنگی و حقوقی است، بر سر راه تغییر و تحول پایگاه اقتصادی - اجتماعی آنان وجود دارد (اسمیت ۱۹۸۷، اسراگز و مستروپایر ۱۹۸۳، اسکالوایک ۱۹۸۶، به نقل از طباطبایی و حسینیان، ۱۳۸۳).

نگرانی پیوستن زنان به گروه آن چه شیفر (۱۹۸۸) فقیرترین فقرا نام می نهد سبب طرح رویکردهای جدید در توسعه و جنسیت و اتخاذ تدابیری برای بهبود کارکردهای اساسی و مولفه های قابلیت زنان شده است مفهوم اساسی و مشترک در این رویکرد و راه کارها، مفهوم توانمندسازی زنان است. به گونه ای که برنامه توسعه سازمان ملل "ارتقا برابری جنسیتی و توانمندسازی" زنان در سطحی گسترده را به عنوان یکی از اهداف کلیدی اعلامیه هزاره سوم اعلام کرده است (بانک جهانی، ۱۳۸۲: ۱۲۶).

توانمندسازی یک فرآیند دست یابی به توسعه است و مواردی هم چون افزایش خودآگاهی، درک توانایی ها، افزایش مهارت زندگی، افزایش مشارکت، به دست گرفتن سهم بیشتری از منابع، ظرفیت سازی و توسعه ظرفیت ها، گسترش آزادی انتخاب و تصمیم گیری، افزایش توان اتکای به خود، تغییر از منفعل بودن به عاملیت، غلبه بر موانع پیشرفت و دست یابی به قدرت مقابله با چالش ها را در بر می گیرد. بنابر آنچه گفته شد، فرآیند توانمندسازی حاکی از ظرفیت سازی است. فرآیندی است که زنان به توانایی های خود، آگاه می شوند و به آن ها اتکا می کنند و بنابر آن ها احساس استقلال و اعتماد به نفس خود را افزایش می دهند (رودافشان، ۱۳۸۴، به نقل از سعیدیان، ۱۳۸۸).

سیاست های توانمندسازی زنان به این دلیل اتخاذ شد که زنان نه تنها دسترسی کمتری به منابع قدرت داشتند بلکه اساساً فاقد کنترل بر این منابع بوده اند. زنان از امکانات کمتر آموزشی در سطح دنیا برخوردارند و حتی کنترل آن ها بر نوع اطلاعاتی که در دسترس دارند کمتر است. به وضوح دسترسی زنان به منابع سیاسی و حضورشان در عرصه های تصمیم گیری سیاسی کمتر است. همین باعث می شود که زنان در تدوین قوانین و تصمیم گیری های به ویژه کلان که اثرات مهمی در زندگی خصوصی آن ها دارد، کنترل داشته باشند. به دلیل فقدان دسترسی ها و کنترل کمتر زنان بر منابع قدرت، آن ها اختیار کمتری در تصمیم گیری های مربوط به زندگی خود دارند. پس توانمندسازی زنان یا قدرت بخشی فرآیندی است که در آن زنان به منابع قدرت دسترسی و کنترل بیشتری پیدا می کنند و در تصمیم گیری های مربوط به

منابع پیرامون خود نقش قدرت‌مندان‌تری ایفا می‌کنند زمانی که زنان از توانمندی کافی برخوردار باشند کل خانواده از این توانمندی بهره می‌برد و این امر بازدهی بهتر نسل‌های آتی را نیز به دنبال دارد (داوری، ۱۳۸۳: ۲۶).

بنابراین تاکیدات بر توانمندسازی زنان، نه تنها دارای بعد اقتصادی (فراهم آوردن درآمد) است بلکه دارای ابعاد سیاسی، اجتماعی و روانی نیز می‌باشد. در نتیجه توانمندسازی زنان مستلزم برخوردی جامع‌تر و عمیق‌تر، برداشتن موانع و تحول در کلیه نهادهایی است که زنان را از به دست آوردن توانمندی‌های خود باز می‌دارد. هم‌چنین از این جهت که زنان گروه متجانسی را تشکیل نمی‌دهند و لزوماً زیر یک سقف قرار نمی‌گیرند، قابلیت‌ها و ویژگی‌های زمینه‌ای و عاملیت زنان در فرآیند توانمندسازی نقش به‌سزایی ایفا می‌کنند (شکوری و همکاران، ۱۳۸۶: ۴-۳).

هدف این مقاله این است که عوامل مؤثر بر توانمندی زنان کدام است؟ و زنان متأهل جامعه‌ی مورد مطالعه در چه سطحی از توانمندی قرار دارند؟

نظریه توانمندسازی در حالی که به اهمیت افزایش قدرت برای زنان واقف است، سعی می‌نماید که قدرت را کمتر به صورت برتری فردی بر فرد دیگر و بیش‌تر از لحاظ توان زنان در جهت افزایش اتکا به خود و قدرت درونی شناسایی نماید. این امر به صورت حق انتخاب در زندگی و تأثیر گذاری بر انتخاب جهت تغییراتی از طریق به دست گرفتن کنترل بر منابع مادی و غیر مادی اساسی مشخص شده است. این نظریه تأکید کمتری بر افزایش موقعیت زن نسبت به مرد دارد و به دنبال تواناسازی زنان از راه توزیع مجدد قدرت در خانواده و هم‌چنین بین اجتماعات مختلف است (موزر، ۱۳۷۲: ۱۱۴-۱۱۳).

توانمندی یعنی اینکه مردم باید به سطحی از توسعه فردی دست یابند که به آن‌ها امکان انتخاب بر اساس خواست خود را بدهد (شادی طلب، ۱۳۸۱). در یک برداشت، توانمندی یعنی کشاندن کسانی که در بیرون از حوزه تصمیم‌گیری قرار دارند به درون این حوزه‌ها و تأکید آن بر تدارک امکاناتی برای دستیابی این بیرون مانده‌ها به ساختارهای سیاسی و تصمیم‌گیری‌های رسمی و هم‌چنین به بازار و درآمدهایی که توانایی مشارکت در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی را فراهم می‌سازد (آبوت و والاس، ۱۳۸۳). اصطلاحی در توصیف آماده‌سازی خود یا دیگران برای فعالیت در راستای اهداف شخصی یا دستیابی به آن اهداف در مفهوم فمینیستی این اصطلاح به جای آن‌که به معنای اعمال قدرت بر دیگران باشد توصیف قدرتی است که توان انجام کاری را به ما می‌دهد. برای نمونه، مردم شناسان فمینیست با این استدلال که تواناسازی مستلزم استراتژی‌های ترغیب و به کار بردن سایر شکل‌های تأثیر و نفوذ غیر اجباری است، بین "تواناسازی" و "اقتدار" تمایز قایل می‌شوند (هام و گمبل، ۱۳۸۲: ۱۳۹-۱۳۸).

کالر و امبی و وو^۲ توانمندی زنان را فرآیندی تعریف می‌کنند که به وسیله‌ی آن زنان برای سازماندهی خودشان توانمند می‌شوند و اعتماد به نفس خود را افزایش می‌دهند و از حقوق خود برای انتخاب مستقل و کنترل بر منابع، که منجر به از بین رفتن جایگاه فرودستی ایشان می‌گردد؛ دفاع می‌کنند (مالهاترا، ۲۰۰۲: ۷). اگبومه^۳ توانمندی را به معنای دستیابی بیشتر زنان به منابع و کنترل بر زندگی خود می‌داند که موجب احساس استقلال و اعتماد به نفس بیشتری در آن‌ها می‌شود. این فرایند موجب افزایش عزت نفس زنان می‌گردد به این معنا که موجب بهبود تصویری می‌شود که زنان از

^۲ keller and mbwewe
^۳ ugbokeh

خودشان می‌بینند (اگومه، ۲۰۰۱: ۲۳۹). فارست^۴ توانمندی را به معنای به چالش کشیدن مناسبات سنتی قدرت بین زن و مرد و تلاشی برای باز توزیع قدرت و منابع جهت یاری به فقرا تعریف می‌کند (فارست، ۱۹۹۹). تفاوت اصلی نظریه توانمندی از نظریه‌های دیگر در طرح متفاوت نحوه دستیابی به احتیاجات زنان است. از منظر استراتژی‌های آنان بدون تلاش‌های مستمر و سیستماتیک سازمان‌های زنان و گروه‌های مشابه اهداف مورد نظر محقق نخواهد شد. کارهای مهمی که این سازمان‌ها می‌توانند انجام دهند نه تنها تغییرات قوانین بلکه بسیج سیاسی به آگاه‌سازی عمومی و آموزش تخصصی است که بنیادی‌تر است. نظریه توانمندی از برخورد مستقیم با مسئله خودداری می‌کند و با استفاده از احتیاجات کاربردی جنسیتی به عنوان پایه‌ای که بتوان با آن اقدامات دیگر را بنا نهاد و وسیله‌ای که از طریق آن بتوان بر آن اقدامات دیگر احتیاجات استراتژیک جنسیتی دست یافت استفاده می‌کنند (مردانی، ۱۳۸۸: ۴۵۷). از زمان طرح موضوع زنان در توسعه، رهیافت‌های متعددی برای تعریف محتوای برنامه‌های آن در مقاطع تاریخی مختلف بیان شده است، به طور کلی می‌توان آن را در سه نوع کلی زیر قرار داد:

- ۱- نظریه رفاهی، مساوات و فقرزدایی ۲- نظریه کارایی ۳- نظریه توانمندی. در حالی که هر یک از نظریه‌های فوق دارای طرفدارانی است، نظریه مقبول امروز توانمندی است. این نظریه بر اساس انتقادات به نظریه اول و دوم که بیشتر ماهیت اقتصادی دارند، شکل گرفته است. برای مواجهه با اثرات توسعه و نوگرایی، نظریه توانمندسازی، زنان را بر کنترل بیشتر جنبه‌های زندگی خود تشویق می‌کند. این نظریه استقلال اقتصادی و سیاسی را دو جزو مهم می‌داند (شادلو، ۱۳۷۹، ۲۰۹).

در قالب این دیدگاه نظریه پردازانی نظیر "نایلا کبیر ۵ و سارا لانگه" به مطالعاتی پرداخته‌اند. سارا لانگه، از جمله نظریه پردازان توانمندسازی، یکی از کارشناسان زن در آفریقا است، او زنان را بر کنترل بیشتر بر جنبه‌های زندگی خود تشویق می‌کند و مشارکت مستقیم را در حیات اجتماعی جامعه و توسعه، هم به عنوان نتیجه و هم به عنوان ابزار توانمندسازی زنان توصیف می‌نماید (مصفا، ۱۳۷۵: ۸۴). لانگه برای توانمندسازی زنان پنج مرحله را ذکر می‌کند که شامل: رفاه، دسترسی، آگاهی، مشارکت و کنترل می‌داند.

مرحله رفاه: در این مرحله مسائل رفاه مادی زنان در مقایسه با مردان در مواردی مانند وضعیت تغذیه، تهیه مواد غذایی، درآمد خانوار که مسائل نابرابری را در پی دارد مورد بررسی قرار می‌گیرد. به طور کلی هدف برابری و توانا سازی زنان باید به برابری رفاهی بیانجامد.

مرحله دسترسی: سهم پایین زنان در تولید نسبت به مردان از محدودیت آنان برای دسترسی به عوامل تولید، مثل زمین، کار و سرمایه است. در مقایسه با مردان، زنان دسترسی کمتری به آموزش، زمین، کار دستمزد ساز، پول و درآمد، استخدام، اشتغال، خدمات بهداشتی، و آموزش‌های غیر رسمی و فنی و حرفه‌ای، وسایل ارتباط جمعی و غیره دارند (رود افشان، ۱۳۸۴: ۱۵۲-۱۵۱).

مرحله آگاهی: یعنی زنان چگونه مفهوم فرایند توسعه را در حد نابرابری ساختاری درک می‌کنند. زنان باید درک کنند که مشکلات آنان از بی‌کفایتی‌ها و کمبودهای شخصی ایشان ناشی نمی‌شود بلکه آنان به وسیله‌ی یک سیستم اجتماعی

⁴ Forrest
⁵ Kabeer.N

که در آن تبعیضات صورت رسمی و قابل قبولی به خود گرفته است، عقب نگاه داشته شده اند (شادلو، ۱۳۷۹: ۲۱۰-۲۱۵).

مرحله مشارکت: زنان در تمام برنامه های مربوط به خود شرکت می کنند. مشارکت آن ها باید با شمار آن ها در جامعه متناسب باشد. مرحله ای است که در آن زمینه حضور فعال زنان فراهم شده و آمادگی برای مشارکت داوطلبانه همه در تمامی مراحل، از پیشنهاد راه حل ها تا اجرای آن وجود دارد (لانگه، ۱۳۷۲: ۱۳۹).

مرحله کنترل: به معنای توازن قدرت بین زنان و مردان است. زنان قدرت تصمیم گیری پیدا می کنند. وقتی مراحل قبلی طی شد و به توسعه رسیدیم، زنان و مردان باید کنترل یکسانی روی تولید، منافع تولید و توزیع داشته باشند (شادی طلب، ۱۳۸۰).

نایلا کبیر توانمندی را مرحله ای می داند که در آن کسانی که قدرت را انکار می کردند، قدرت را به دست می آورند و به ویژه توانایی انجام انتخاب های استراتژیک زندگی که برای زنان می تواند انتخاب شریک زندگی، محل زندگی، و انتخاب داشتن یا نداشتن بچه باشد. برای داشتن این سه قدرت سه بعد مرتبط به هم مورد نیاز است: منابع، عاملیت و دستاورد. منابع علاوه بر دارایی های مادی دربرگیرنده منابع متنوع انسانی و اجتماعی است که توانایی انجام انتخاب را افزایش می دهند. این منابع به واسطه روابط اجتماعی متعدد در حوزه های نهادی گوناگون (از جمله خانواده، بازار، دولت، و اجتماع) که یک جامعه را تشکیل می دهند، بدست می آیند. او عاملیت را چیزی فراتر از کنش قابل مشاهده می داند. عاملیت در برگزیده معنا، انگیزه و هدف افراد برای انجام کار است. این مفهوم در واقع نوعی حس "فاعلیت" و آنچه که فمینیست ها در واقع نوعی قدرت درونی می نامند است. منظور از دستاورد یعنی در حوزه ای که در حیطه ی مسئولیت های زنان است چه نتایجی به دست می آید. در پیشینه مربوط به حوزه ی توانمندسازی، وقتی سخن از سنجش منابع است، ناخودآگاه بحث "دسترسی به منابع" به میان می آید. دسترسی به زمین، اعتبار، اشتغال، آموزش و یا سرمایه ی اجتماعی، هر یک پتانسیل های کاملاً متفاوتی را برای تحقق یافتن انتخاب فراهم می سازند. شاخص های مربوط به عاملیت در پیشینه مربوط به توانمندسازی زنان متعددند، اما بسامدترین آن ها شاخصی است که به "تصمیم گیری" مربوط است. شاخص دوم بعد عاملیت "تحرك در فضاهای عمومی" است. شاخص سوم مربوط به بعد عاملیت "خشونت مرد" است. این شاخص که آشکارا بیانگر قدرت مردسالارانه است عبارت است از توانایی مرد برای توسل به نیروی فیزیکی جهت اعمال اهداف خود بر زن یا جلوگیری از زن برای رسیدن به اهداف خود (کبیر، ۲۰۰۵).

در این پژوهش مفهوم توانمندی بر اساس چهار بعد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و روانی به شرح ذیل مورد مطالعه و اندازه گیری قرار گرفت.

توانمندی اجتماعی: به توانایی درک و استفاده از افکار و احساسات و رفتارها به طور تلفیقی اشاره می کند تا وظایف و تکالیف اجتماعی را انجام دهد که در فرهنگ و موقعیت خاص مطلوب به حساب می آید (سارنی، ۱۹۹۹، نقل از امیمه، ۱۳۸۳: ۱۵۷). در این مقاله شرکت در فعالیت های اجتماعی مانند "انجمن خیریه"، "انجمن های هنری- ادبی، شعر و موسیقی"، "انجمن های علمی"، "باشگاه ورزشی" و "صندوق های قرض الحسنه محلی" و نیز شرکت در فعالیت های مذهبی مانند "نماز جماعت"، "نماز جمعه"، مراسم عزاداری و عبادی، "جلسات آموزشی دینی و احکام"، "مسافرت های زیارتی" مورد سنجش قرار گرفت.

توانمندی اقتصادی: شامل دارایی‌های مادی، مالی و به طور کلی انواع منابع مالی است که در قالب مالکیت جلوه نهادی پیدا می‌کند. توانمندی اقتصادی به درآمدهای پولی، سایر منابع و دارایی‌های مالی اطلاق می‌شود و تظاهر نهادینه اش را می‌توان در حق مالکیت یافت برای نمونه، پول و اشیای مادی که می‌توان برای تولید کالا و خدمات به کار برد (فاضلی، ۱۳۸۲: ۳۷). با مؤلفه‌های کسب یا افزایش درآمد، قدرت پس انداز کردن و استقلال مالی تعریف شده است.

توانمندی روانی: چنین فرض می‌شود که فرد با محیط در تعامل است و در این فرآیند، فرد مفهوم زندگی و عزت نفس را پیدا می‌کند. این دو عنصر برای هدایت رفتار فرد در زندگی و برای بدست آوردن توانمندی‌های مختلف مفید است (تایلر، ۱۹۷۸ به نقل از امیمه). شاخص توانمندی روانی با متغیرهایی مانند افزایش عزت نفس، استقلال فکری، افزایش خوداثربخشی مورد مطالعه قرار گرفت. که هر کدام از این متغیرها با مقولاتی "احساس موفقیت در زندگی"، "احساس رضایت از خود"، "احساس بی‌خاصیت و بی‌فایده بودن"، "احساس توان بهبود وضع آینده خود و خانواده" هم چنین برای متغیر اثر بخشی از گویه‌هایی مانند "احساس ناتوانی در تغییر امکانات موجود برای خود و خانواده"، "حل مشکلات از طریق سعی و تلاش"، "احساس بی‌فایده بودن در بهتر شدن وضعیت زندگی"، "حفظ خونسردی در برخورد با مشکلات" و گویه‌های انتخاب شده برای استقلال فکر عبارت است از: "انتخاب مدرسه فرزندان"، "انتخاب رشته تحصیلی فرزندان"، "انتخاب نام فرزندان"، "گن خرید و فروش و اجاره منزل"، "تعیین زمان و مکان سفر"، "توانایی تعیین شغل و فعالیت‌های خود در خارج از منزل". این گویه‌ها برای سنجش توانمندی روانی در نظر گرفته شده است.

توانمندی سیاسی: به معنای افزایش قدرت و شدت تحرک زنان در عرصه‌های سیاسی است. توانمندی سیاسی زنان شامل توانایی اعمال نفوذ بر دیگران است تا این‌که دیگران به زندگی وی نفوذ داشته باشند. مؤلفه‌های مورد نظر برای توانمندی سیاسی عبارتند از: مشارکت در فعالیت‌های سیاسی زنان نظیر "مشارکت در انتخابات و راه پیمایی‌ها" هم چنین قدرت زن در خانواده که از مواردی مانند "تنظیم مخارج خانه"، "انجام کارهای مهم فرزندان"، "مدیریت کارهای خارج از خانه" در نظر گرفته شده است (جمشیدیان، www.iranwomen.org).

شاخص توانمندی کل: شاخص توانمندی کل از حاصل جمع نمرات گویه‌های چهار شاخص اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و روانی به دست آمده است.

بر اساس چهارچوب نظری فرضیه های پژوهش به شرح زیر مطرح شدند:

۱. میزان تحصیلات زنان متأهل در توانمندی (روانی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی) آنان تأثیر می گذارد.
۲. اشتغال زنان در توانمندی (روانی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی) زنان متأهل تأثیر می گذارد.
۳. بعد خانوار در توانمندی (روانی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی) زنان متأهل تأثیر می گذارد.
۴. میزان تصورات قالبی جنسیتی در زن بر توانمندی (روانی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی) زنان متأهل تأثیر می گذارد.
۵. تبعیض جنسیتی در خانواده ی پدر زن بر توانمندی (روانی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی) زنان متأهل تأثیر می گذارد.
۶. میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی در توانمندی (روانی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی) زنان متأهل تأثیر می گذارد.
۷. مهارت های حرفه ای زنان متأهل در توانمندی (روانی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی) آنان تأثیر می گذارد.

روش

در این مطالعه با استفاده از رویکرد روش شناسی تلفیقی از روش کتابخانه ای و آنالیز ثانویه برای پاسخ به سوالات پژوهشی و آزمون فرضیه های اصلی مقاله استفاده کردیم. داده های تحقیق حاضر از طریق پرسش نامه و به شیوه پیمایشی جمع آوری شده است. پرسش نامه ها بر اساس چارچوب نظری و فرضیه های تحقیق شکل گرفته است. جامعه آماری این پژوهش، شامل کلیه زنان متأهل دارای همسر ساکن در شهر اردبیل می باشد. که با استناد به سرشماری سال ۱۳۸۵، ۱۰۲۹۵۲ نفر بوده است. و با استفاده از فرمول کوکران ۳۲۰ پرسشنامه در میان زنان متأهل دارای همسر در سطح شهر اردبیل توزیع و تکمیل شده است. روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای می باشد. در مرحله اول، بلوک ها در هر منطقه شناسایی شده است، در مرحله دوم واحدهای مسکونی در داخل بکوها مشخص گردیده و نهایتاً در مرحله سوم در هر منزل زنان متأهل با روش تصادفی انتخاب گردیده است. برای آزمون اعتبار بازار پژوهش، روش های مختلفی وجود دارد از جمله اعتبار صوری، اعتبار معیار و اعتبار سازه. در پژوهش حاضر برای سنجش اعتبار پرسشنامه، از اعتبار صوری مقیاس استفاده شده است، که در آن سعی شد گزینه ها یا سؤالاتی که متغیرهای تحقیق را می سنجدند از گویه ها و سؤالات تحقیق پیشین که زیر نظر افراد مجرب استفاده و اجرا شده است، به کار گرفته شود. آنگاه با مراجعه به اساتید و نیز تعداد دیگری از کارشناسان علوم اجتماعی و استفاده از راهنمایی های آنها، برخی از گویه ها و سؤالات که صحت آنها مورد تایید قرار گرفت، نهایتاً در تحقیق استفاده شد. همچنین روایی محتوایی از طریق پیش آزمون مورد بررسی قرار گرفت و در سؤالات تغییرات لازم اعمال گردید. در پژوهش حاضر برای آزمون پایایی شاخص ها از ضریب آلفای کرونباخ استفاده کردیم و ضریب آلفای کرونباخ زمانی که ۰/۷ باشد نشانه ی پایایی مقیاس است که ضریب های به دست آمده ۰/۷۸ است. همچنین از آماره های مختلف مانند همبستگی و رگرسیون چند متغیره روش گام به گام برای تحلیل روابط بین متغیرها سود جسته شده است.

یافته ها

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که به لحاظ مشخصات فردی، ۲۶.۵ درصد از افراد بین سنین ۱۹-۲۸، ۳۴.۰۶ درصد بین ۲۹-۳۸، ۲۳.۴ درصد بین ۳۹-۴۸؛ ۱۱.۲۵ درصد بین ۴۹-۵۸ قرار گرفته‌اند، بیشترین درصد فراوانی مربوط به گروه سنی ۲۹-۳۸ است. آمارهای یاد شده نشان می‌دهد که زنان جامعه‌ی مورد مطالعه در سن جوانی هستند، بنابراین؛ بهترین شرایط برای اشتغال و کار دارند، اما آمارهای اشتغال نشان می‌دهد که درصد زیادی از جمعیت مورد مطالعه، ۲۴۵ نفر؛ یعنی ۷۶.۶ درصد خانه‌دار و فقط ۷۵ نفر؛ یعنی ۲۳.۴ درصد شاغل هستند از بین افراد شاغل، ۴۴.۰۰ درصد کارمند، ۴.۰۰ درصد کارگر، ۱۳.۳۳ درصد آرایشگر، ۱۸.۶۷ درصد خیاط، ۱۲.۰۰ درصد منشی، ۶.۶۷ درصد مغازه‌دار و ۱.۳۳ درصد در شغل پزشکی مشغول خدمت هستند. بیشترین درصد فراوانی مربوط به شغل‌های غیر رسمی و کمترین درصد مربوط به شغل پزشکی است. بنابراین زنان در شغل‌هایی مشغول هستند که جایگاه پایینی در جدول منزلت شغلی دارند. در زمینه تحصیلات، حدود ۲۰.۹۴ درصد از پاسخ‌گویان بی سواد، ۲۶.۶ درصد در حد ابتدایی یا نهضت سوادآموزی، ۲۱.۱۸ راهنمایی و ۱۲.۵ درصد در حد متوسطه و ۲۰.۷ درصد دیپلم هستند و ۱۸.۸ درصد از افراد نمونه دارای تحصیلات دانشگاهی هستند. از بین پاسخ‌گویان، ۵۶.۰ درصد از افراد حدود ۳۰۰ هزار تومان و یا کمتر از آن حقوق دریافت می‌کنند و ۲۰.۰ درصد از افراد بین ۳۰۰-۶۰۰ هزار تومان و ۲۴ درصد از افراد حقوقی بین ۶۰۰-۹۰۰ هزار تومان می‌گیرند و آمارها حاکی از این است که زنان متأهل اردبیلی از درآمد چندانی برخوردار نیستند. اکثریت خانوارها یعنی ۶۸.۴ درصد "بدون فرزند بوده یا یک تا سه فرزند"، ۲۵.۶ درصد بین چهار تا شش و ۵.۰ درصد بین هفت تا نه فرزند دارند. این اطلاعات بیانگر کم جمعیت بودن نسبی خانوارهای مورد مطالعه است. از بین پاسخ‌گویان، حدود ۸۰ درصد از زنان، مهارت حرفه‌ای خود را در سطح پایین اعلام کرده‌اند. زنان متأهل اردبیل می‌گفتند از بین مهارت حرفه‌ای در قالبی بافی و بافندگی مهارت کافی دارند و در مهارت‌های رایانه‌ای و رانندگی مهارت اندک و در سطح مبتدی گزارش کرده، مهارت حرفه‌ای پایین زنان مورد مطالعه می‌تواند بر اشتغال آنان تاثیرگذار باشد و آن‌ها را دستخوش نیازمندی و وابستگی قرار دهد.

در این بخش از مقاله به ارزیابی سطوح مختلف توانمندی پاسخ‌گویان می‌پردازیم. لازم به ذکر است که متغیرهای مستقل در این پژوهش از چارچوب نظری تحقیق استخراج شده است.

توانمندی اقتصادی

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، درصد خیلی بیشتری از پاسخ‌گویان حدود ۷۹.۶ درصد، از نظر توانمندی اقتصادی در سطحی پایین قرار گرفته‌اند. درصد کمتری در سطح متوسط و بالا به ترتیب (۱۶.۸ درصد، ۳.۴ درصد) قرار دارند. مؤلفه‌های توانمندی اقتصادی عبارت است از "درآمد"، "قدرت پس انداز کردن"، "استقلال مالی". با توجه به مؤلفه "میزان درآمد" حدود ۵۶ درصد از پاسخ‌گویان اظهار کردند که درآمدی در سطح کم دارند. ۳۰ درصد از افراد دارای درآمدی متوسط و فقط ۱۳.۶ درصد از افراد دارای درآمدی در سطح بالا بودند. با توجه به مؤلفه "قدرت پس انداز"، اکثریت قریب به اتفاق پاسخ‌گویان، یعنی ۸۶.۳ درصد گفتند این توان برایشان کم است و مدعی هستند که قادر به پس

انداز کردن نیستند. ۸.۸ درصد از زنان متأهل اردبیلی این مؤلفه را در سطح متوسط گزارش کردند و فقط ۵.۰ درصد اظهار داشتند که قادر به پس انداز کردند سطح بالا هستند. در زمینه‌ی "استقلال مالی" ۸۹.۴ درصد از زنان متأهل اردبیلی ابراز کردند که از چنین استقلالی برخوردار نیستند و یا استقلال خود را در سطح کم عنوان کردند ۳.۸ از زنان متأهل پاسخ‌گو استقلال مالی خود را در حد متوسط گفتند و فقط ۶.۹ درصد از پاسخ‌گویان دارای استقلال مالی بالایی بوده‌اند.

مطالعه‌ی تفصیلی‌تر رابطه مؤلفه‌های توانمندی اقتصادی و متغیرهای مستقل نشان می‌دهد در حالی‌که رابطه فوق در مورد مؤلفه‌ی درآمد صدق می‌کند و شدت این رابطه بین مقدار پیوستگی ۰.۲ تا ۰.۴ است و این رابطه مثبت و در حد قابل توجه است. در خصوص مؤلفه‌ی "قدرت پس انداز کردن" متغیر اشتغال رابطه‌ی معناداری را معلوم می‌سازد و به لحاظ شدت این رابطه در حد بالایی است (مقدار پیوستگی ۰.۶). همه متغیرهای ذکر شده با مؤلفه‌ی استقلال مالی رابطه معناداری دارند ولی متغیر بعد خانوار از جمله متغیرهایی است که رابطه معناداری با مؤلفه "استقلال مالی" ندارند.

جدول شماره ۱: توزیع پاسخ‌گویان بر حسب شاخص توانمندی اقتصادی و آنالیز رابطه آن با عوامل مرتبط

توزیع درصد فراوانی توانمندی اقتصادی و مؤلفه‌های آن		همبستگی بین شاخص توانمندی اقتصادی و مؤلفه‌های آن با متغیرهای مستقل							
بالاتر	متوسط	پایین	استفاده از وسایل ارتباط جمعی	تبعیض جنسیتی	تصورات قالبی جنسیتی	مهارت حرفه‌ای	تحصیلات	بعد خانوار	اشتغال
۳.۴	۱۶.۸	۷۹.۶	۰.۲۲ = ۰.۰۰۰sig = ۳۲۰n =	-۰.۲۲ = ۰.۰۰۰sig = ۳۱۳n =	-۰.۲۲R ۰.۰۰۰sig = ۳۲۰n =	۰.۵۲ = ۰.۰۰۰sig = ۳۲۰n =	۰.۴۲ = ۰.۰۰۰sig = ۳۱۸n =	۰.۳۲ = ۰.۰۰۰sig = ۳۱۷n =	۰.۳۲ = ۰.۰۰۰sig = ۳۲۰n =
۱۳.۶	۳۰.۳	۵۶.۰	۰.۲۲ = ۰.۰۰۰sig = ۳۲۰n =	-۰.۲۲ = ۰.۰۰۰sig = ۳۱۳n =	۰.۳۲ =- ۰.۰۰۰sig = ۳۲۰n =	۰.۴۲ = ۰.۰۰۰sig = ۳۲۰n =	۰.۴۲ = ۰.۰۰۰sig = ۳۱۸n =	۰.۲۲ = ۰.۰۰۰sig = ۳۱۷n =	۰.۵۲ = ۰.۰۰۰sig = ۳۲۰n =
۵.۰	۸.۸	۸۶.۳	۰.۲۲ = ۰.۰۰۰sig = ۳۲۰n =	-۰.۲۲ = ۰.۰۰۰sig = ۳۱۳n =	-۰.۲۲ = ۰.۰۰۰sig = ۳۲۰n =	۰.۲۲ = ۰.۰۰۰sig = ۳۲۰n =	۰.۳۲ = ۰.۰۰۰sig = ۳۱۸n =	۰.۰۵۲ = ۰.۳۶sig = ۳۱۷n =	۰.۶۲ = ۰.۰۰۰sig = ۳۲۰n =
۶.۹	۳.۸	۸۹.۴	۰.۲۲ = ۰.۰۰۰sig = ۳۲۰n =	-۰.۲۲ = ۰.۰۰۰sig = ۳۱۳n =	-۰.۲۲ = ۰.۰۰۰sig = ۳۲۰n =	۰.۴۲ = ۰.۰۰۰sig = ۳۲۰n =	۰.۴۲ = ۰.۰۰۰sig = ۳۱۸n =	۰.۰۴۲ =- ۰.۸۰sig = ۳۱۷n =	۰.۳۲ = ۰.۰۰۰sig = ۳۲۰n =

توانمندی اجتماعی

بر اساس یافته‌های پژوهش؛ سطح توانمندی اجتماعی ۶۰.۶ درصد از جمعیت نمونه پایین، ۳۲.۸ درصد متوسط و ۶.۶ درصد بالا گزارش شده است. ابتدا یادآور می‌شویم که اجزای تشکیل دهنده توانمندی اجتماعی با "مشارکت در فعالیت های اجتماعی" و "مشارکت در فعالیت های مذهبی" است. با توجه به مؤلفه "مشارکت اجتماعی"، ۸۵.۹ درصد از افراد مورد مطالعه، شرکت در "فعالیت‌های انجمن خیریه، انجمن های علمی-ادبی و هنری، باشگاه ورزشی و صندوق های قرض الحسنه محلی" را در سطح پایین گزارش کرده‌اند. ۹.۷٪ از زنان متأهل پاسخ‌گو فعالیت اجتماعی خود را متوسط گزارش کردند و فقط ۴.۴ درصد از زنان متأهل اردبیلی پاسخ‌گو گفتند که مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های اجتماعی بالاست و اکثر آن‌ها مشارکت خود را در عضویت باشگاه ورزشی و صندوق های قرض الحسنه محلی ذکر کردند و فعالیت در انجمن‌های خیریه و هنری را اصلاً یا در حد کم گزارش کرده‌اند.

مطالعه مشارکت در فعالیت های مذهبی در یک سال گذشته نشان داد که ۴۲.۲ درصد از افراد مورد مطالعه در یک سال گذشته خیلی کم در فعالیت های مذهبی مشارکت داشته‌اند، ۴۰.۳ درصد گفتند به طور متوسط و گاهی در فعالیت های مذهبی شرکت می‌کنند و ۱۷.۵ درصد از پاسخ‌گویان مشارکت زیادی در فعالیت های مذهبی داشته‌اند. مقایسه تمایل به مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و مذهبی زنان متأهل اردبیلی نشان می‌دهد که، زنان تمایل بیشتری به شرکت در فعالیت‌های مذهبی دارند. این مسئله می‌تواند بیان‌گر وجود موانعی در مسیر مشارکت اجتماعی و حضور فعال زنان در جامعه باشد.

آنالیز داده‌ها نشان می‌دهد که از بین متغیرهای مستقل فقط استفاده از وسایل ارتباط جمعی، تبعیض جنسیتی و مهارت حرفه‌ای تحصیلات و اشتغال رابطه معناداری با شاخص توانمندی اجتماعی کل و مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی دارد (۰.۹۹). این رابطه در خصوص مشارکت مذهبی نشان داد که از متغیرهای مستقل، متغیر تبعیض جنسیتی و مهارت حرفه‌ای و تحصیلات و اشتغال رابطه معناداری با مؤلفه مشارکت در فعالیت‌های مذهبی دارد.

جدول شماره ۲: توزیع پاسخ‌گویان بر حسب شاخص توانمندی اجتماعی و آنالیز رابطه آن با عوامل مرتبط

همبستگی بین شاخص توانمندی اجتماعی و مؤلفه های آن با متغیرهای مستقل							توزیع درصد فراوانی توانمندی اجتماعی و مؤلفه‌های آن					
توانمندی اجتماعی	مشارکت اجتماعی	مشارکت مذهبی	پایین	متوسط	بالا	استفاده از وسایل ارتباط جمعی	تبعیض جنسیتی	تصورات قالبی جنسیتی	مهارت حرفه ای	تحصیلات	بعد خانوار	اشتغال
۶۰.۶	۳۲.۸	۶.۶	۰.۰۱۲ =	۰.۰۰۱ sig =	۰.۰۱۲ =	۰.۰۱۲ =	۰.۰۱۲ =	۰.۰۲۲ =	۰.۰۲۲ =	۰.۰۲۲ =	۰.۰۲۲ =	۰.۰۱۲ =
۸۵.۹	۹.۷	۴.۴	۰.۰۰۲ sig =	۰.۰۰۰ sig =	۰.۰۰۲ sig =	۰.۰۰۱ sig =	۰.۰۰۰ sig =	۰.۰۰۰ sig =	۰.۰۰۰ sig =	۰.۰۰۱ sig =	۰.۰۰۱ sig =	۰.۰۰۶ sig =
۴۲.۲	۴۰.۳	۱۷.۵	۰.۰۰۹ sig =	۰.۰۰۹ sig =	۰.۰۰۹ sig =	۰.۰۰۹ sig =	۰.۰۰۹ sig =	۰.۰۰۹ sig =	۰.۰۰۹ sig =	۰.۰۰۹ sig =	۰.۰۰۹ sig =	۰.۰۱۳ sig =
۳۲۰n =	۳۲۰n =	۳۲۰n =	۳۱۳n =	۳۲۰n =	۳۲۰n =	۳۲۰n =	۳۱۳n =	۳۲۰n =	۳۲۰n =	۳۱۸n =	۳۱۷n =	۳۲۰n =

توانمندی سیاسی

اطلاعات جمع آوری شده در خصوص میزان توانمندی سیاسی زنان متأهل اردبیلی مورد مطالعه، مندرج در جدول ۳، نشان می دهد که با عنایت به شاخص توانمندی سیاسی کل، حدود ۴۷.۵ درصد از افراد مورد مطالعه دارای توانمندی بالا، ۴۶ درصد دارای توانمندی متوسط و نزدیک ۸.۳ درصد از پاسخ گویان دارای توانمندی پایین هستند. توانمندی سیاسی با دو مؤلفه مشارکت در فعالیت سیاسی و قدرت زن در خانواده مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌ها نشان می دهد تعداد قابل توجهی از پاسخ گویان (۵۷.۵ درصد) بیان کردند مشارکت زیادی در فعالیت سیاسی دارند. ۱۸۸ درصد از افراد مورد مطالعه گفتند مشارکت کمی در فعالیت سیاسی در طی سال‌های گذشته داشته‌اند.

با توجه به مؤلفه "قدرت زن در خانواده" ۵۷.۸ درصد از زنان متأهل گفتند که "تنظیم مخارج خانه، کارهای مهم مربوط به فرزندان در حد زیادی بر عهدهی آنها است و خودشان هر وقت که بخواهند از خانه خارج می شوند". فقط ۶.۹ درصد از پاسخ گویان این مؤلفه را در سطح متوسط، ۳۵ درصد از افراد مورد مطالعه به نقش محدود خود در خانه تاکید داشته اند.

آنالیز روابط بین متغیرهای مستقل و میزان توانمندی سیاسی آنان نشان می دهد که تبعیض جنسیتی و تحصیلات و مهارت حرفه ای با توانمندی سیاسی رابطه دارد با این حال این رابطه نه چندان قوی می باشد. در خصوص مولفه‌ی مشارکت سیاسی و رابطه ان با متغیرهای مستقل همبستگی معناداری مشاهده نشده است و این رابطه در خصوص مولفه قدرت زن در خانواده نشان می دهد که به جز متغیر تبعیض جنسیتی بقیه متغیرها مستقل رابطه معناداری با مولفه قدرت زن در خانواده ندارند.

جدول شماره ۳: توزیع پاسخ گویان بر حسب شاخص توانمندی سیاسی و آنالیز رابطه آن با عوامل مرتبط

		توزیع درصد فراوانی توانمندی سیاسی و مؤلفه‌های آن		همبستگی بین شاخص توانمندی سیاسی و مؤلفه های آن با متغیرهای					
بالاتر	متوسط	پایین	استفاده از وسایل ارتباط جمعی	تبعیض جنسیتی	تصورات قالبی جنسیتی	مهارت حرفه‌ای	تحصیلات	بعد خانوار	اشتغال
توانمندی سیاسی	۴۷.۵	۸.۳	۰.۳۲۰sig = ۳۰۲n =	۰.۱۳sig = ۲۹۵n =	۰.۷۸۳sig = ۳۰۲n =	۰.۱۱sig = ۳۰۲n =	۰.۰۲۷= ۳۰۰n =	۰.۸۲۱sig = ۲۹۹n =	۰.۹۳۱sig = ۳۰۲n =
مشارکت سیاسی	۵۷.۵	۲۳.۸	۰.۷۶۴sig = ۳۲۰n =	۰.۰۷۷sig = ۳۱۳n =	۰.۵۹۴sig = ۳۲۰n =	۰.۴۴۳sig = ۳۲۰n =	۰.۶۲۰= ۳۱۸n =	۰.۰۷۶sig = ۳۲۰n =	۰.۵۹۱sig = ۳۲۰n =
قدرت زن در خانواده	۵۷.۸	۶.۹	۰.۱۷۰sig = ۳۰۳n =	۰.۱۶sig = ۲۹۶n =	۰.۲۸۲sig = ۳۰۳n =	۰.۰۹sig = ۳۰۳n =	۰.۳۴۰= ۳۰۱n =	۰.۵۳۱sig = ۳۰۳n =	۰.۱۵۴sig = ۳۰۳n =

$0.12 =$	$0.042 =$	$0.22 =$	$0.22 =$	$-0.42 =$	$-0.12 =$	$0.22 =$				
$0.180 \text{ sig} =$	$0.538 \text{ sig} =$	$0.000 \text{ sig} =$	$0.001 \text{ sig} =$	$0.550 \text{ sig} =$	$0.009 \text{ sig} =$	$0.003 \text{ sig} =$	۸.۱	۴۳.۴	۴۸.۴	استقلال فکری
$182n =$	$180n =$	$180n =$	$182n =$	$182n =$	$178n =$	$182n =$				

توانمندی کل

جدول فوق نشانگر وضعیت شاخص توانمندی کل زنان متأهل اردبیل است. با توجه به شاخص توانمندی کل، ۱۰.۸۳ درصد از افراد مورد مطالعه دارای توانمندی بالا، و ۴۹.۴۶ درصد دارای توانمندی متوسط و نزدیک ۳۹.۷۱ درصد دارای توانمندی پایین هستند.

آنالیز روابط بین متغیرهای مستقل و میزان توانمندی آنان نشان می دهد که به استثنای بعد خانوار دیگر متغیرها دارای رابطه معناداری به لحاظ آماری با شاخص توانمندی دارد. و این رابطه از نظر شدت دارای همبستگی متوسط و با متغیر اشتغال دارای همبستگی قوی است و از نظر جهت با متغیرهای تبعیض جنسیتی و تصورات قالبی جنسیتی دارای رابطه ی معکوس است. و این بدان معناست که با کاهش متغیرهای تبعیض جنسیتی در زنان متأهل و تصورات قالبی جنسیتی تأثیر مثبت در فرایند توانمندی زنان مورد مطالعه دارد. عدم رابطه معنادار با متغیر بعد خانوار به این مفهوم است که این متغیر هیچ تأثیری در فرایند توانمندی ندارد.

جدول شماره ۵: توزیع پاسخ گویان بر حسب شاخص توانمندی کل و آنالیز رابطه آن با عوامل مرتبط

همبستگی بین شاخص توانمندی کل و متغیرهای مستقل							توزیع درصد فراوانی توانمندی کل			
اشتغال	بعد خانوار	تحصیلات	مهارت حرفه ای	تصورات قالبی جنسیتی	تبعیض جنسیتی	استفاده از وسایل ارتباط جمعی	پایین	متوسط	بالا	شاخص توانمندی کل
$0.22 =$	$-0.22 =$	$0.22 =$	$0.42 =$	$-0.22 =$	$0.22 =$	$0.22 =$	۳۹.۷۱	۴۹.۴۶	۱۰.۸۳	
$0.001 \text{ sig} =$	$0.724 \text{ sig} =$	$0.000 \text{ sig} =$	$0.000 \text{ sig} =$	$0.000 \text{ sig} =$	$0.000 \text{ sig} =$	$0.000 \text{ sig} =$				
$65n =$	$274n =$	$275n =$	$277n =$	$277n =$	$270n =$	$320n =$				

مقدار همبستگی تفکیکی بین متغیر وابسته (توانمندی کل) و متغیر مستقل

جدول شماره ۶: رگرسیون چند متغیره عوامل مرتبط با توانمندی زنان متأهل و متغیرهای مستقل (ضرایب بتا)

متغیر مستقل	توانمندی روانی	توانمندی اجتماعی	توانمندی سیاسی	توانمندی اقتصادی	شاخص توانمندی کل
استفاده از وسایل ارتباط جمعی	۰.۰۱۲	۰.۱۳۴	۰.۰۶۳	۰.۰۷۱	۰.۰۵۸
تبعیض جنسیتی	-۰.۹۲۴	-۰.۳۳۰	-۰.۱۲۹	-۰.۰۹۲	-۰.۰۱۶
تصورات قالبی جنسیتی	-۰.۶۸۲	-۰.۱۷۰	-۰.۳۳۷	-۰.۱۰۲	-۰.۰۲۴

مهارت حرفه ای	۰.۴۷۴	۰.۰۷۲	۰.۲۹۸	۰.۰۳۶	۰.۴۹۸
تحصیلات	۰.۱۷۲	۰.۰۱۴	۰.۱۸۳	۰.۰۵۶	۰.۰۵۰
بعد خانوار	-۰.۰۵۴	۰.۰۰۸	۰.۰۵۸	۰.۱۴۴	۰.۱۱۳
اشتغال	-۰.۲۶۴	۰.۲۵۷	۰.۰۸۶	۰.۱۲۸	۰.۱۲۰
R ²	۰.۳۲	۰.۲۹	۰.۲۰	۰.۳۶۸	۰.۳۹
مقدار F	۳۸۴۱	۳۶۸۰	۲۱۹۶	۵۲۳۷	۴۹۴۷
sig	۰.۰۰۲	۰.۰۰۲	۰.۰۴۷	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰

مطالعه تأثیرات متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته نشان داد که بالاترین ضریب بتا (میزان تأثیر) برای شاخص توانمندی کل به ترتیب متغیرهای "مهارت حرفه ای"، "اشتغال"، "بعد خانوار"، "تبعیض جنسیتی"، "تصورات قالبی جنسیتی"، "تحصیلات" و "استفاده از وسایل ارتباط جمعی" می باشند. از بین این متغیرها تبعیض جنسیتی و تصورات قالبی جنسیتی رابطه معکوس با توانمندی آشکار می سازد و این بدان معناست که با کاهش متغیرهای یاد شده توانمندی افزایش پیدا می کند.

از نظر میزان تأثیرات متغیرهای مستقل بر سطوح مختلف توانمندی، مطالعه نشان می دهد که با عنایت به سطح توانمندی روانی، بالاترین تأثیر به ترتیب "تبعیض جنسیتی"، "تصورات قالبی جنسیتی"، "مهارت حرفه ای"، "اشتغال"، "تحصیلات"، "استفاده از وسایل ارتباط جمعی"، "بعد خانوار" می باشد. با توجه به توانمندی اجتماعی، به ترتیب میزان تأثیر عبارت است از: "تبعیض جنسیتی"، "اشتغال"، "تصورات قالبی جنسیتی"، "استفاده از وسایل ارتباط جمعی"، "مهارت حرفه ای"، "تحصیلات"، "بعد خانوار". در خصوص توانمندی سیاسی نیز باید گفت که به ترتیب متغیرهای "تصورات قالبی جنسیتی"، "مهارت حرفه ای"، "تبعیض جنسیتی"، "تحصیلات"، "اشتغال"، "استفاده از وسایل ارتباط جمعی"، "بعد خانوار" بالاترین تأثیر را بر متغیر توانمندی دارد. توانمندی اقتصادی یکی دیگر از توانمندی ها ذکر شده است در رابطه بالاترین تأثیر متغیر مستقل بر توانمندی اقتصادی می توان به ترتیب از متغیرهای "مهارت حرفه ای"، "بعد خانوار"، "اشتغال"، "تصورات قالبی جنسیتی"، "تبعیض جنسیتی"، "استفاده از وسایل ارتباط جمعی"، "تحصیلات" نام برد.

بحث

مطالعه رویکردهای مربوط به توانمندسازی نشان داد که توانمندی فرایندی چند جانبه است و محدود به بعد یا زمینه ای خاص نمی شود بلکه معرف پیشرفت از یک موقعیت نابرابر جنسیتی به موقعیت برابر (جنسیتی) است. هم چنین چند بعدی و وابسته به فرهنگ است و در فرهنگ های مختلف معانی متفاوتی دارد و این بسته به محدودیت های افراد در آن فرهنگ است (شکوری و همکاران، ۱۳۸۶).

با الهام از چهارچوب مفهومی توانمندسازی، این مقاله جنبه های مختلف توانمندی زنان متأهل را با استفاده از روش پژوهش میدانی در اردبیل مورد مطالعه قرار داد و مبتنی بر این فرض بود که مفهوم فقر نزد زنان به مراتب وسیع تر از

فقر اقتصادی است و ابعاد اجتماعی، سیاسی و روانی را نیز در بر می‌گیرد.

مطالعه ویژگی جامعه مورد بررسی نشان داد که ۲۰/۹۴ درصد از زنان توانایی خواندن و نوشتن را ندارند و ۵۴/۵۱ درصد از زنان از سواد متوسطه تا دیپلم برخوردارند و فقط تعداد اندکی (۱۸/۸۳ درصد) دارای تحصیلات دانشگاهی و عالی هستند. در حالی که، امروزه زندگی در جامعه اطلاعاتی شدیداً وابسته به این است که فرد از خودآگاهی اجتماعی بالایی برخوردار باشد. به اطلاعاتی که می‌تواند بر سرنوشت او تأثیر گذار است، دسترسی داشته باشد.

مسئله مهم دیگر، مشکلات اقتصادی است که زنان جامعه مورد مطالعه با آن مواجه هستند. زنان این جامعه از وضعیت اشتغال و درآمد مناسب و کافی برخوردار نیستند و وضعیت اقتصادی خود را بسیار ضعیف و پس انداز خود را در حد صفر اعلام کرده‌اند. به مسئله اشتغال زنان نه به عنوان یک مسئله تشریفاتی و روبنایی، بلکه به عنوان یک مسئله ریشه‌ای باید توجه کرد. واقعیت امر این است که بیش از ۷۵ درصد زنان ما خانه دار هستند. این امر موجب عدم استقلال مالی و استمرار وابستگی و تبعیت ناگزیر آن‌ها از مردان می‌شود.

همانگونه که قبلاً اشاره شد، این تحقیق بر چند بعدی بودن توانمندی زنان متأهل اردبیل تأکید دارند. این ابعاد شامل توانمندی روانی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می‌شود. اگر نسبت‌های مربوط به گزینه‌های بالا و پایین را بخواهیم به عنوان مبنای ارزیابی قرار دهیم، از بین توانمندسازی، بالاترین میزان در بعد روانی مشاهده گردید که فقط ۸.۳ درصد پاسخ‌گویان به لحاظ توانمندی در سطح پایین بودند. و پایین‌ترین میزان توانمندی در بعد اقتصادی (که فقط حدود ۳.۴ درصد از پاسخ‌گویان دارای توانمندی در سطح بالا بوده‌اند) است.

هر چند یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که زنان از تحصیلات و مهارت کافی برخوردار نیستند؛ و فرصت‌های اندک برای اشتغال دسترسی دارند و در نتیجه از دست‌یابی به درآمد کافی محرومند و حدود ۷۶.۶۴ درصد پاسخ‌گویان به لحاظ توانمندی اقتصادی در سطحی "پایین" بودند؛ ولی مطالعه دقیق‌تر نشان داد که آنان از توانمندی اجتماعی بالایی نیز برخوردار نمی‌باشند. برخلاف انتظار، یافته‌های پژوهش بیش از ۵۰ درصد زنان مورد مطالعه را به لحاظ شاخص توانمندی اجتماعی در سطح پایین نشان داده است.

اما لازم به ذکر است که از نظر توانمندی سیاسی (به صورت مشارکت در عرصه عمومی و خصوصی) زنان مشارکت قابل توجهی داشته‌اند.

در پاسخ به اینکه چرا میزان توانمندی اجتماعی افراد مورد مطالعه پایین است، نخست بایستی به فقر قابلیت‌یابی به ویژه به نابرابری دسترسی به منابع و همین‌طور بی‌سوادی، کم‌سوادی و در نتیجه پایین بودن سطح آگاهی اکثریت زنان مورد بررسی نسبت به فعالیت‌های اجتماعی و نحوه مشارکت در این فعالیت‌ها اشاره کرد. چندان هم زمینه را برای توانمندی آنان به ویژه در بعد اجتماعی فراهم نکرده است.

عوامل مختلفی در ابعاد توانمندی زنان تأثیر دارد. مهارت حرفه‌ای، اشتغال، تحصیلات، بعد خانوار، تبعیض جنسیتی، تصورات قالبی جنسیتی، استفاده از وسایل ارتباط جمعی تأثیر به‌سزایی در توانمندی زنان ایفا می‌کنند.

در این تحقیق مهارت حرفه‌ای، "بعد خانوار"، "اشتغال"، "تصورات قالبی جنسیتی"، "تبعیض جنسیتی"، "استفاده از وسایل ارتباط جمعی"، "تحصیلات" نقش تعیین‌کننده‌تری در بعد اقتصادی نسبت به سایر توانمندی زنان دارد. بدین ترتیب توجه و ارتقای هر یک از این عوامل می‌تواند به بهبود شرایط اقتصادی زنان کمک شایانی نماید.

از جمله متغیرهای تأثیر گذار در همه ابعاد توانمندی (روانی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی) متغیرهای تبعیض جنسیتی و تصورات قالبی جنسیتی می باشد. و لازم است به آن حتی توجه بیشتری در قالب برنامه های طولانی مدت شود. همانطور که ذکر شد متغیرهای یاد شده از تاثیرگذارترین عوامل در توانمندی اجتماعی زنان می باشد و این کلیشه ها مانع حضور زنان در چرخه ی مشارکت اجتماعی می شود.

با توجه به مباحث فوق و با عنایت به ضریب تبیینی رگرسیون چند متغیره می توان گفت که توانمندی زنان متأهل از عوامل وسیع تری تأثیر می پذیرد که در این بین عوامل ساختاری و توانمندی های فردی زنان نقش اساسی را بازی می کنند که موجب نهادینه شدن نابرابری در فرصت ها را فراهم می کنند.

برای یافته های پژوهش حاضر، مهم ترین راهکار برای توانمندی زنان می تواند آموزش این زنان باشد. تصمیم گیران و مجریان دولتی باید امکانات لازم را برای تحصیلات زنان در تمام سطوح فراهم آورند. هر چند قدم هایی در این راه برداشته شده است ولی نباید به صورت مقطعی باشد و این روند باید ادامه یابد چون تحصیلات بالاتر، از یک طرف آگاهی و اطلاعات زنان را در امور مختلف زندگی بالا می برد و از طرف دیگر باعث فراهم شدن زمینه اشتغال آنان می شود. تحصیلات به عنوان یکی از منابع ارزشمند است که باعث کسب قدرت و افزایش توانمندی فرد می شود و از طرف دیگر تحصیلات بالاتر باعث می شود که اطلاعات زنان در امور مختلف زندگی افزایش یابد و در تصمیم گیری ها مشارکت بیشتری داشته باشند. اما متغیر تعیین کننده که ریشه ای و مؤثر می باشد و لازم است در قالب برنامه های طولانی مدت توجه بیشتری به آن شود، حذف کلیشه ها و موانع فرهنگی در خصوص زنان است، همان طور که تحقیقات نیز بر آن تاکید دارند این کلیشه ها مانع حضور فعالانه زنان در چرخه اقتصادی و مشارکت اجتماعی در عرصه های مختلف می شود. بدین ترتیب با برنامه های آموزشی و آگاه سازی افراد جامعه می توان به کم رنگ کردن و حتی حذف باورهای سنتی در خصوص زنان اقدام کرد. با برداشتن این موانع راه برای فعالیتهای مختلف اجتماعی و اقتصادی زنان هموار می شود. در راستای به چالش کشیدن عامل مردسالاری، نقش نهادهای بیرون از خانواده بسیار مهم است. علاوه بر اقدامات فرهنگی مؤثر که با تلاش رسانه های گروهی به ویژه تلویزیون و نهاد آموزش میسر است، نمی توان نقش قانون مردسالار را نیز در جامعه نادیده گرفت. بنابراین انجام اصلاحاتی در بعضی مواد قانونی مردسالارانه، لازم و ضروری است، برخی از قوانین از جمله قوانین ۱۱۳۳، ۱۱۱۷، ۱۱۰۵ قانون مدنی مصوب کشور.

بالا بردن سطح درآمد زنان یکی دیگر از راهکارهای اجرایی، جهت افزایش توانمندی زنان بالاخص توانمندی اقتصادی زنان می باشد. بالا بردن درآمد زنان مستلزم حضور آنان در فعالیتهای اجتماعی بیرون از خانه و کسب مشاغل است. دولت و برنامه ریزان اجتماعی بایستی موانع موجود در زمینه اشتغال زنان را از بین ببرند و زمینه را برای اشتغال و کسب درآمد زنان فراهم کنند و همان طور که نتایج این تحقیق نشان می دهد مهارت حرفه ای نقش به سزایی در توانمندی زنان متأهل اردبیلی دارد که برنامه ریزان می توانند از طریق ایجاد کارگاه های آموزشی مهارت های سنتی و مدرن را در زنان جامعه اردبیل افزایش دهند با توجه به کاهش تعداد فرزندان در خانواده های جامعه ی نمونه، لازم است که زنان به کارهای پاره وقت یا نیمه وقت روی آورند. زمینه کسب درآمد خود را مهیا سازند و بتوانند سهمی هر چند ناچیز در درآمد خانواده داشته باشند.

منابع

- ابوت، پاملا؛ کلر، والاس. (۱۳۸۰). "جامعه‌شناسی زنان". (منیژه نجم عراقی، مترجم). تهران: نشر نی.
- امیمه، محسن علیق. (۱۳۸۳). "مطالعه بین فرهنگی هوش هیجانی، فرآیندهای نظم هیجانی و توانمندی روانی-اجتماعی بین دانشجویان ایرانی و لبنانی". پایان نامه دوره کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت مدرس.
- تورس، آماری لیس. (۱۳۷۵). "جنسیت و توسعه". (جواد یوسفیان، مترجم). تهران: بانو.
- داوری، فرزانه. (۱۳۷۹). "توانمندسازی زنان، نشریه سبا(نشریه شبکه ارتباطی سازمان های غیردولتی زنان جمهوری اسلامی ایران)". شماره ۱۲. آبان ماه.
- خانی، فضیله. صیادبیدهندی، لیلا. (۱۳۸۸). "مرورری بر تجارب جهانی در حوزه کاربرد ICT در توانمندسازی زنان سرپرست خانوار روستایی". خلاصه مقالات دومین همایش توانمندسازی و توان افزایی زنان سرپرست خانوار، تهران: اداره کل امور بانوان شهرداری تهران.
- رودافشان، ناهید. (۱۳۸۴). "تاثیر جهانی شدن بر توانمندسازی زنان (دانشجویان دختر دانشگاه های دولتی شهر تهران شاغل به تحصیل ۸۴-۱۳۸۳)". پایان نامه کارشناسی ارشد مطالعات زنان، دانشگاه تربیت مدرس.
- سازمان ملل متحد (۱۳۷۵). "کار پایه عمل و اعلامیه پکن". (علی آرین و علی میر سعید قاضی، مترجمان). تهران: انتشارات دفتر امور زنان نهاد ریاست جمهوری.
- سعیدیان، فاطمه. (۱۳۸۸). "بررسی عزت نفس در زنان سرپرست خانوار شهر تهران". خلاصه مقالات دومین همایش توانمندسازی و توان افزایی زنان سرپرست خانوار، تهران: اداره کل امور بانوان شهرداری تهران.
- شادی طلب، ژاله. (۱۳۸۱). "توسعه و چالش های زنان ایران". تهران: نشر قطره.
- شادی طلب، ژاله و دیگران. (۱۳۸۴). "فقر درآمدی فقط یک جنبه از فقر زنان سرپرست خانوار". فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی. سال چهارم. شماره ۱۷.
- شادلو، شیده. (۱۳۸۱). "نقش فرهنگ در متعادل ساختن نگرش های جنسیتی برای توانمندسازی با تاکید بر اسناد بین المللی". همایش توانمندی زنان، تهران مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری.
- شکوری، علی. رفعت جاه، مریم. جعفری، معصومه. (۱۳۸۶). "مؤلفه های توانمندی زنان و تبیین عوامل موثر بر آنها". فصلنامه پژوهش زنان. دوره پنجم. شماره اول.
- لانگه، سارا. (۱۳۷۲). "معیارهایی برای تواناسازی زنان، نقش زنان در توسعه". تهران: روشن گران.
- طباطبایی، شهناز. (۱۳۸۴). "بررسی اثرات آموزش های آگاه سازی فردی و شغلی و کارآفرینی بر عزت نفس و گرایش های کارآفرینی زنان سرپرست خانوار شهر تهران، طرح و مصوب موسسه کار و تامین اجتماعی".
- مردانی، مریم. (۱۳۸۸). "گونه شناسی زنان سرپرست خانوار و مقایسه وضعیت آنها با مردان سرپرست خانوار در مناطق شهری استان تهران". خلاصه مقالات دومین همایش توانمندسازی و توان افزایی زنان سرپرست خانوار، تهران: اداره کل امور بانوان شهرداری تهران.

مصفا، نسرين. (۱۳۷۷). "نقش مشارکت سياسي در تواناسازی زنان". مجله سياسي خارجي. تهران: سال هشتم، شماره ۳.
هام، مگي، و سارا گمبل. (۱۳۸۲). "فرهنگ نظريه‌های فمينيستي". (نوشين احمدي خراساني. فيروزه مهاجر. فرح قره داغي. مترجمان) تهران: توسعه. چاپ اول.

Alsop, Ruth and Nain heinsohn , (2005), Measuring Empowerment in Practice : Structuring Analysis and Framin Indicators, World Bank Policy Research Working Paper 35 Available at:

Forrest.W.D.(1999)" Education and Empowerment" , Oxford university press and community Development Jornal, vol. 34 no. 2, pp: 107-99.

Kabeer.N. (a)(2005) "Gender Equality and Womens Empowerment: A Critical Analysis of the Third Millennium Development Goal, Gender and Development , 13.1, March 2005

Mayou.linda.(2005),micro-finance and the Empowerment of women (A review of the key issues). www.genfinance. Net

Malhatra,s.r.schular and c.boender (2002) measuring woman s Empowerment as a variable in International development.

ugbomeh.M.M.George (2001) "Women Empowerment in Agricultural Education , for Sustainable Rural Development", Oxford university Press and Community Development Journal , vol. 36, no,4,pp:289-302.

The Empowerment level of Married women's and its social-demographic Associates (A case study in Ardebil city of Iran)

Tahereh Ghaderi, T (Ph.D)
AbouAli Vedadhir, A (Ph.D)
Solmaz Chamani, A (Ph.D student)

Abstract

Various stages of the process during which a woman needs and demands of its internal, conscious and motivation and courage to achieve the desired goal in itself and with its ability to strengthen and competence necessary to implement it in their cause , The so-called empowerment called. Objective study of married women empowerment levels and related factors in the city of Ardabil. Analysis study - is the explanation of the use of library resources and field information has been collected. Statistical Society of married women is the city of Ardabil. Cluster sampling is classified using the formula Cochran 320 samples were interviewed. In addition to this research study, the underlying characteristics of married women, women's empowerment level capabilities in various aspects including: economic empowerment (income, power savings, financial independence), social empowerment (social participation, religious participation), political empowerment (political participation Power of women in the family) and psychological empowerment (decision-making power, self esteem, independence of thought) has been considered. At the end of this issue noting that women are responsible for their poverty has been concluded that Nabray in access to education, employment, lack of professional skills of traditional and modern sex discrimination, gender stereotypes, and violent behavior against women Including barriers against women's empowerment is considered.

Key words: Empowerment, Agency, resources, poverty, Women, Employment.

